



Volume 4, Number 4, Summer 2012

Journal of
Science & Technology Policy

**Designing National Observatory
of Management and Public Policy
Lesson- Drawing of Iran:
Theoretical Rationale, Operational
Conceptualization and its Challenges**

Hassan Danaeefard*

Tarbiat Modares University, Iran

Abstract

Iranian political and governance philosophy opposite to blind mimicking. Islamic-national perspective of governance has given distinctive characteristic to its theoretical outcomes and managerial and policy making. There are two schools of thought for generating Islamic-indigenous knowledge and national –Islamic knowledge based on Islamic centers and universities. However, this political system has monitored managerial and policy making in other countries. National observatory will focus attention to external events , will increase Iranian national strategic intelligence, and will reduce costs of trial experiments of policy making and managerial practices. The purpose of this paper is exploration of its theoretical rationale, operational conceptualization, and enumeration of challenges faced by the national observatory.

Keywords: National Observatory, Lesson-Drawing, Public Policies, Public Administration, National Governance.

* Corresponding Author: hdanaee@modares.ac.ir

طراحی رصدخانه ملی درس آموزشی سیاستی و مدیریتی جمهوری اسلامی ایران: خردمایه نظری، مفهوم‌پردازی عملیاتی و چالش‌های فرارو

حسن دانایی فرد*

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

فلسفه سیاسی و نوع حکمرانی در ایران، تقلید کورکورانه سیاستی و مدیریتی را برنمی‌تاباند. نگاه اسلامی - ملی به قول و فعل حکمرانی در این کشور، ره‌آوردهای چارچوب نظری و عمل سیاست‌گذاری و مدیریتی آن را تجلی خاص بخشیده است. جریان تولید دانش اسلامی - بومی به اتکا «خزانه عظیم فقاهت شیعی» و «دستگاه نظریه‌پردازی اسلامی - ملی» با محوریت حوزه و دانشگاه به سوی اهداف غایی خود شتابان در حرکت است. با این حال فهم عینی آنچه در دیگر کشورها در حوزه‌های سیاستی - مدیریتی رخ می‌دهد نیز از نگاه زیرکانه این نظام سیاسی دور نمی‌ماند. تاسیس رصدخانه ملی درس آموزشی کشور می‌تواند این نگاه به بیرون را سازماندهی کرده و ضمن ارتقاء هوشمندی استراتژیک ملی به دستگاه نظریه‌پردازی مسائل فراروی کشور یاری داده و از هزینه‌های سنگین خطا و آزمایش مدیریتی مستمر جلوگیری کند. در این مقاله؛ خردمایه نظری، مبانی مفهومی و چالش‌های فراروی این مرکز سیاستی و مدیریتی ملی واکاوی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: رصدخانه ملی، درس آموزشی، سیاست‌های عمومی، مدیریت دولتی، حکمرانی ملی

۱- مقدمه**

دمید بلکه گاز اروپایی را باید از آن خالی کرد و با روح قانون اساسی آمریکا هم‌نوا کرد» [۱]. مقلد بزرگ قرن گذشته اکنون مقلدان بزرگی در عالم دارد، کشورهای اروپایی که خود صادرکننده «فناوری اداره» به آمریکا بودند و ویلسون که دانش‌آموخته اروپاست و بعدها رئیس جمهور آمریکا شد، برای نخستین بار جرقه‌های «مطالعات تطبیقی» به عنوان یک رشته علمی را زد و اکنون حوزه‌ای در سیاست‌های عمومی تطبیقی تحت عنوان «درس‌آموزی» بروز پیدا کرده است که منفذی است برای درس‌آموزی اروپاییان از آمریکا. مطالعات تطبیقی در ادامه کار، "نه" بزرگی بود به تک‌اندیشی غرب و این که «بهترین راه اداره» از آن شما نیست. بزرگان مطالعات تطبیقی، یافتن «علم اداره جهان‌شمول» را منوط به مطالعه همه نظام‌های سیاسی و اداری کشورها کردند [۲]. در حوزه عمل بسیاری از کشورهای به ظاهر غنی پی بردند که می‌شود از کشورهای دیگر (حتی کوچک) نیز آموخت. گذشت زمان

برای کسانی که تاریخچه عمل و علم مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی را مطالعه نکرده‌اند تعجب‌آور است است که گفته شود اگر چه در عصر فعلی، مرکز بزرگ تولید و نشر اندیشه‌ها و عمل مدیریتی ظاهراً آمریکا است ولی اگر هسته اولین مقاله‌ای که ویلسون در سال ۱۸۸۷ تحت عنوان «مطالعه اداره» به رشته تحریر درآورد مطالعه شود به وضوح مشخص خواهد شد که ویلسون مدعی است «دانش اداره امور عمومی متعلق به آن سوی آب است؛ دانش مدیریتی دولتی، آمریکایی نیست؛ متعلق به کشورهای اروپایی است؛ باید آن را به چنگ آورد ولی نه تنها نفس آمریکایی در آن

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: hdanaee@modares.ac.ir

** این مقاله، با توجه به جایگاه علمی نویسنده، بدون داوری پذیرفته شده است و مسئولیت علمی مطالب آن بر عهده ایشان می‌باشد.

باشد که دیگران را به تقلید وادارد؛ همان طور که انقلاب عظیم امام خمینی (ره) و ره‌آورد نظری آن در حوزه رهبری در همه آثار مربوط به حوزه رهبری به طور اعم و رهبری سیاسی به طور اخص به چشم می‌خورد.

بحث از موفقیت این جریان را به مجال دیگری باید سپرد ولی آنچه در این مقاله قصد پردازش آن می‌رود طراحی رصدخانه ملی درس‌آموزی ملی است که می‌باید برای تحقق هوشمندی راهبردی ملی تاسیس شود. این رصدخانه بایستی در حوزه‌های مختلف، مکان‌های راهبردی درس‌آموزی را مشخص و مدام روندهای جهانی را هم نظراً و هم عملاً رصد کند. برای تحقق اهدافی که شاخص‌های جهانی را نشانه رفته است و قصد بر آن است در چشم‌انداز بیست‌ساله ملی بر اساس آن شاخص‌ها رتبه اول منطقه باشیم باید فعل و عمل دیگران را پیش مستمر کرد. در این مقاله با تأمل بر مبانی فلسفی و نظری درس‌آموزی ملی، توجیه نظری شکل‌دهی رصدخانه ملی درس‌آموزی کشور ارایه، و سپس چارچوب اجرایی و در نهایت مخاطرات و چالش‌های فراروی آن تحلیل خواهد شد. هدف اصلی جلب توجه ذهنیت ملی به رصد عالمانه بدون سرسپردگی به فعل و عملی است که در زمین رقبا می‌گذرد.

۲- مبانی فلسفی و نظری درس‌آموزی

بقا و ادامه حیات هر انسانی در گذر زمان متکی به آموختن نحوه ادامه حیات است. مآخذ اصلی این یادگیری، والدین هستند. یادگیری آنچه دیگران انجام داده و ره‌آوردهای خوبی داشته‌اند نیز حائز اهمیت است. مزیت این نوع یادگیری آن است که به شرط ایجاد شرایط و اقتضائات مناسب انجام دوباره آن عمل، هزینه‌های خطا و آزمایش و ریسک‌های مترتب بر طراحی اولیه آن‌عمل بر فاعل جدید تحمیل نخواهد شد. فلسفه یادگیری، فهم نحوه عمل عالم و به تسخیر درآوردن نیروهای درون آن است. دولت به عنوان مدیر یک جامعه، بدون یادگیری نمی‌تواند شرایط پویایی محاط بر حکمرانی خود را درون سازوکارهای جدید پاسخ دهد.

هر دولت یا حکومتی دارای نوعی نظام حکمرانی خاص است و نظام ارزشی و ایدئولوژیک خاص خود را دارد. فلسفه سیاسی حکومت در دکترین سیاسی دولت‌ها متجلی می‌شود و

باعث شکل‌گیری ادبیات گسترده‌ای شد که همگی تجلی یک محور بودند و آن «آموختن از دیگران» بود. بهترین تجربه^۱، محک‌زنی^۲، درس‌آموزی^۳، سیاست‌های عمومی تطبیقی، مطالعات مقایسه‌ای و ... نمونه‌ای از این ادبیات گسترده است. این سخن رسول اکرم که فرمود: علم در ثریا باشد مردانی از پارس به آن دست می‌یابند، تجلی آموختن از دیگران در سیر تطور نظام سیاسی- اسلامی است. کمتر سیاست‌مداری در عالم است که آموختن از دیگران را نهد. نازل‌ترین ثمره آموختن، آموختن برای نقد کردن است، آموختن برای افشاء فعلی است که امروزه به‌عنوان عمل مشروع دولت‌ها فراوان به وسیله دیگران اقتباس می‌شود. برای نقد دیگری یا شکست رقیب باید سیاست، طرح و برنامه او را فهم کرد.

با این اوصاف «کشور یادگیرنده» دارای «سیاست یادگیرنده»، «مدیریت دولتی یادگیرنده»، «برنامه یادگیرنده» و «مدیر دولتی یادگیرنده» است. مآخذ یادگیری در هر نظام یادگیرنده‌ای هم درون است و هم بیرون. در هر کشوری می‌توان دو جریان اثرگذار ملی را متصور شد که یکی بر «اصول بومی - ملی» یا می‌فشارد، نظریه‌پردازی می‌کند و فعل ملی را بر آن استوار می‌سازد و «خوب ملی» را دنبال می‌کند و جریان دوم با اتکا به اصول جریان نخست از دیگران می‌آموزد. این دو در کنار هم تلاش می‌کنند عظمت ملی کشور را در پرتو بزرگی سیاسی و مدیریتی و در آینه شاخص‌های جهانی به رخ دیگر کشورها بکشند. این دو جریان در کنار هم ضمن این که مسیر جداگانه‌ای در ظاهر امر دنبال می‌کنند ولی در واقعیت امر با هم سویی هم‌افزایانه «رقابت‌پذیری ملی» کشور را در مسابقه جهانی رقم می‌زنند.

به نظر می‌رسد این دو جریان از ابتدای استقرار نظام اسلامی در ایران وجود داشته و دارند. جریان نخست از ابتدا با اتکا به «دستگاه عظیم فقاهت شیعی» و «نظام هوشمند نظریه‌پردازی ملی - اسلامی» با محوریت حوزه و دانشگاه تلاش کرده است «اسلامیت و بومیت ایرانی» را در سیاست‌ها، مدیریت‌ها، طرح‌ها، برنامه‌ها، قوانین متجلی سازد. بر موفقیت این جریان در حد بضاعت موجود تردیدی نیست؛ اگر چه تجلیات این نظریه‌های بومی - اسلامی می‌بایست چنان بزرگ

1- Best Practices
2- Benchmarking
3- Lesson - Drowing

سیاست‌های ملی محمل اجرای دکترین سیاسی هستند [۳]. طرح و برنامه‌هایی که برای اجرای استراتژی سیاست‌های عمومی در عمل پیاده می‌شوند نیز رنگ و بوی جهان‌بینی آن نظام سیاسی خواهند داشت. دولت‌های برای نوآوری یکپارچگی در سیاست‌ها، راهبردها، طرح و برنامه‌های حکمرانی ملی به مبانی فکری و اندیشه‌ای خود متوسل می‌شوند [۴] و ابزارهایی برای اجرای سیاست عمومی خود در پیش می‌گیرند که با روح فلسفی نظام سیاسی همساز است. این دولت‌ها تلاش می‌کنند در سیاست و راهبردهای ملی، در طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی و در فنون و ابزار اجرای برنامه‌های عملیاتی در حوزه‌های مختلف حکمرانی ملی از آموزش و پرورش گرفته تا صنعت و خدمات، گردشگری و محیط زیست، مدیریت شهری و خدمات فرهنگی - اجتماعی بر واژه «بومی بودن» تاکید کنند. برای تحقق چنین امری دولت‌ها چرخه‌های ملی تولید، توزیع و کاربرد دانش بومی خود را با اتکا به سه رکن «دانشگاه، صنعت و خدمات و جامعه» طراحی و عملیاتی می‌کنند. این چرخه نوعی جریان فکری و عملی در جامعه شکل می‌دهد که بر اصیل بودن جهان‌بینی، فرهنگ و ایدئولوژی خود تاکید دارند و برآنند تا کلیت جامعه را مزین به فرهنگ ملی خود کنند. مراکز مطالعاتی دانشگاهی و پژوهشگاه‌های پژوهش وزارتخانه‌ای خاصی برای تولید دانش بومی در این کشورها طراحی و در حال فعالیت هستند. بخش عظیمی از بودجه‌های پژوهشی صرف تولید چنین دانشی می‌شود. در همه کشورهای دنیا چنین جریانی وجود دارد و هیچ کشوری دوست ندارد تسلیم سیاست‌ها و برنامه‌های کشورهای خارجی شود.

اما از آنجا که بسیاری از کشورها به سنت پراگماتیسم در سیاست و مدیریت پایبندند، برای کسب رضایت ملی بیشتر مردم کشور خود دستاوردهای سیاستی و مدیریتی سایر کشورها را به طرق مختلف اقتباس می‌کنند و با فراهم آوردن شرایط اجرای آن دستاوردهای سیاستی و مدیریتی در کشور خود راه میان‌بری انتخاب می‌کنند که هزینه‌های دست‌یابی آن به مراتب از طراحی و تدوین بر مبنای صفر بسیار کمتر است [۴]. این کشورها تلاش می‌کنند هر نوآوری راهبردی در حوزه‌های مختلف حکمرانی سخت و نرم ملی در کشورهای دیگر را رصد کرده و در کشور خود بومی‌سازی کنند. اینان

معتقدند اگر چه فرهنگ ملی عامل و مانع بزرگی بر سر راه اقتباس نوآوری‌ها در سایر کشورهاست ولی از آنجا که جهان با اتکا به فناوری‌های نوین ارتباطی پیش‌فرض‌های یکسانی را در اذهان عمومی کشورها رسوب می‌دهد، و فرهنگ‌های ملی به سوی رفته که در هم‌تندگی فرهنگی در سطح جهانی بین کشورهای بلوکی (مانند کشورهای اسلامی، کشورهای آمریکای لاتین، کشورهای اتحادیه اروپا و ...) به وضوح به چشم می‌خورد، حرکت اقتباسی کشورها از یکدیگر فزونی یافته، به همین خاطر «مک دونالد که ذائقه آمریکایی در خود دارد، در حال حاضر در ۱۱۷ کشور شعبه دارد و جالب آنکه شلوغ‌ترین شعبه آن در مسکو قرار دارد»، و غذای حلال در بسیاری از کشورهای عالم توجه همگان را به خود جلب کرده است [۴]. اگرچه هم‌سویی فرهنگی بنا به نظریه تنوع، نوآوری‌های جهانی را تنزل می‌دهد [۵] ولی حرکت جهانی‌سازی به رهبری آمریکا تلاش دارد به چنین هدفی نایل شود و کشورهای عالم که بخش عظیمی از آنها دچار شعور کاذب جهانی شده‌اند در تلاشند به بازی‌هایی وارد شوند که پیروزی نهایی از آن آمریکاست و بهره بردارغایی اوست و سایر کشورها ابزار تحقق آن پیروزی هستند.

با این اوصاف کشورهای مختلف به رصد پیشرفت‌های فرهنگی، اقتصادی، علمی و فن‌آورانه سایر کشورها می‌پردازند تا برنامه‌های مورد نیاز خود را به جای آن که با هزینه‌های هنگفت از ابتدا طراحی کنند، اقتباس نمایند. این کشورها در حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری به تولید دولت و بخش خصوصی به مدیریت کارآفرینان و صنعت‌گران آن بخش با اتکا به سازوکارهای مختلف تور شکار برنامه‌های کشورهای دیگر را در کشورهای راهبردی مد نظر خود می‌گسترانند و از این راه در هزینه‌های سنگین صرفه‌جویی می‌کنند. با توجه به اینکه همه کشورها دوست دارند نقش صنعت گردشگری در تولید ناخالص ملی را ارتقاء دهند، اما برنامه‌های متنوعی را دنبال می‌کنند در صورتی که کشوری موفقیت این برنامه‌ها را در کشورهای دیگر شاهد است می‌تواند آن برنامه‌ها را اقتباس کند.

راه‌اندازی قطار شهری در بسیاری از کلان‌شهرهای کشورهای دنیا، حجم ترافیک شهری را کاهش داده است. این اقدام مدیریتی می‌تواند از جانب مدیریت شهری سایر کشورها

حیاتی موفقیت فرد، گروه و سازمان است. این سه بایستی برای نگهداشت محصولات در میدان رقابت، پیوسته فضای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، فناورانه حاکم بر بازی را پیش کنند. این امر در مورد یک نظام سیاسی به عنوان یکی از بازیگران میدان بازی منطقه‌ای و جهانی نیز صادق است. نظام جهانی با تاسیس سازمان‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، محیطی، حقوق بشر، فناورانه و ...، و با طراحی سنجه‌های اندازه‌گیری و ارزیابی میزان موفقیت هر کشور بر اساس آنها، نوعی بازی ناخواسته و بعضاً خواسته بر کشورها تحمیل کرده است. در این بسته شاخصی، هدف غایی کشورها را ارتقاء کیفیت زندگی ملی قرار داده‌اند و میزان تحقق آن هدف را بر اساس شاخص‌هایی اندازه‌گیری می‌کنند.

قضاوت جامعه جهانی در مورد یک کشور (به غیر از درصدی از مردمان هوشمند ملت‌ها) بر اساس چنین شاخص‌هایی است. از طرف دیگر کشورهای بلوکی جهان (نظیر اتحادیه اروپا، آفریقا و ...) نیز شاخص‌هایی برای ارزیابی موفقیت ملی کشورهای عضو، طراحی کرده‌اند. کشوری گوی رقابت را از دیگری می‌برد که بتواند با تکیه بر منابع مالی خود (طبیعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی - فرهنگی و ...) و پیش مستمر حرکات رقابتی کشورهای رقیب آنچه را رقبا برای تحقق هدف عینی خود در سازوکارهایی نظیر سیاست‌های عمومی، راهبردها، طرح‌ها، برنامه‌ها و قوانین و رویه‌ها استفاده می‌کنند مورد توجه قرار دهد. زیرا بهره‌گیری از طرح‌ها، برنامه‌ها و ... آزمون شده، در صورت انطباق با مقضیات کشور از هزینه‌های هنگفتی جلوگیری می‌کنند. این کشورها با حرکت عمومی به سمت خلق و طراحی سازوکارهای سیاستی و مدیریت بومی خود و شکار سازوکارهای سیاستی و مدیریتی، طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی شده دیگر کشورها هوشمندی استراتژیک ملی خود را ارتقاء می‌دهند. اگر چه هوشمندی استراتژیک ملی در حوزه امنیت ملی کشورها صادق است و دستگاه‌های امنیتی اطلاعاتی مدام برای حفظ امنیت کشور محیط درون و بیرون کشور را پیش می‌کنند تا در واکنش نسبت به فشارهایی که به نظام سیاسی می‌آید دچار غفلت استراتژیک نشوند [۳] ولی این هوشمندی باید در حوزه تخصصی سیاستی، برنامه‌ای و

اقتباس شود که چنین نیز شده است. تقلید فی نفسه مذموم نیست، بلکه تقلید میمون‌گونه دور از شائیت یک دولت یا ملت است. ژاپن را مقلد هوشمند جهانی می‌دانند که فرهنگ ژاپنی خود را از طریق تاسیس شرکت‌های مختلف تولیدی در آمریکا، آلمان، فرانسه و ... به خود این کشورها تزریق کرده و می‌کند و این کشورها را مجبور کرده است زبان ژاپنی را در دانشگاه‌ها و مدارس خود تدریس کنند و رستوران‌های ژاپنی در همه کشورهای دنیا برپا کنند. این امر در مورد چین نیز صادق است. گروه‌ها، کمیته‌ها و کمیسیون‌های مختلفی در سطح حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت دولتی از کشورهای طالب موفقیت با حضور فعالانه در عرصه بین‌المللی و جهانی مشغول مشاهده رفتار و عمل سیاست‌گذاری و مدیریتی کشورهای دیگر هستند. حوزه‌های مختلف عملیاتی بخش‌های خصوصی، تعاونی و غیر دولتی این کشورها نیز مدام همتایان خود را در کشورهای دیگر پیش می‌کنند.

از این رو در ادبیات سیاست‌گذاری عمومی سه نحله تبیینی برای فلسفه وجودی یک سیاست عمومی وجود دارد. نحله اول، سیاست‌های عمومی را بر اساس عوامل درون کشوری تبیین می‌کند و نحله دوم مدعی است سیاست عمومی را می‌توان بر اساس عوامل بین‌المللی و جهانی تبیین کرد. نحله سوم نیز بر ترکیب این دو عنوان تبیین‌کنندگان سیاست‌ها و برنامه‌های ملی تاکید دارد. نحله اول نگاه بومی دارد و نحله دوم بر اساس نظریه اشاعه سیاستی، وجود یک سیاست عمومی جدید در یک کشور را تجلی پدیده‌ای به نام تقلید می‌داند که کشورها بنا به سه دلیل آن را در پیش می‌گیرند: ۱) کشور بنا به فلسفه آموختن، سیاست‌ها و برنامه‌ها از سایر کشورها را تقلید می‌کند، ۲) کشور از سر رقابت با دیگران سیاست‌ها و برنامه‌های دیگر کشورها را اقتباس می‌کند و ۳) میل به همگرایی با سایر کشورها، باعث می‌شود کشوری دست به اقتباس سیاست‌ها و برنامه‌های دیگر کشورها بزند. بنابراین ادبیات گسترده‌ای با عناوین مختلفی (نظیر تقلید سیاستی، یادگیری سیاستی، همگرایی سیاستی و ...) در حوزه سیاست‌گذاری عمومی به چشم می‌خورد [۶].

۲-۱ هوشمندی استراتژیک ملی

رقابت‌پذیری فردی، گروهی و سازمانی در گرو فهم عوامل

همه این کشورها دو مسیر مجزا و در عین حال مرتبط به هم را برای نوآوری در سیاست‌ها، راهبردها، طرح، برنامه‌ها، قوانین و رویه‌های خود دنبال می‌کنند: یک جریان ملی متشکل از اندیشمندان، کارگزاران و کار آفرینان هوشمند تلاش دارند ایدئولوژی، فرهنگ، سیاست، مدیریت دولتی و ملی خود را بر اساس نگاه بومی خود به رخ جهانیان (رقبای نزدیک همسایه‌ها و رقبای دور سایر کشورهای عالم) بکشند. این نحله تلاش دارد در عمل نشان دهد عاطفه ملی جامعه خود را بر اساس سیاستی خاص و برنامه‌ای ویژه ارتقاء داده است، آنگاه سایر کشورها به طور خودکار مقلدان اصلی این سیاست خواهند شد، به خصوص برای کشورهایی که فلسفه پراگماتیسم در سیاست‌گذاری را مرجح می‌دانند. سیاست‌ها، طرح‌ها برنامه‌ها و قوانین بومی محصولات فکری و عملی این جریان فکری است. نحله دوم با اتکا به فلسفه سیاسی، ایدئولوژی، فرهنگ و شرایط اقتصادی، سیاسی، علمی - فرهنگی و فناورانه خود آنچه در سایر کشورهای عالم در حوزه‌های مختلف سیاستی، مدیریتی، برنامه‌ای و رویه‌ای در حد ممکن با توجه به دستگاه رصد ملی خود را رصد می‌کنند. برای مثال در چین برای پالایش لحظه‌ای عالم، هر کتاب مهم و اثرگذاری که در کشورهای رقیب به چاپ می‌رسد با یک روز تأخیر در دست مردم چین (هر حوزه‌ای به تناسب خود) قرار می‌گیرد.

گروه‌های تخصصی مختلفی از کشورهای مختلف مدام به کشورهای دیگری سفر می‌کنند و به تناسب نیاز اقدامات عملی سایر کشورها در حوزه‌های مختلف را می‌بینند و با بومی کردن آن در کشور خود را اهداف ملی خود را دنبال می‌کنند. دستگاه‌های نظریه‌پردازی و عملیاتی هر دو نحله فکری - عملی به طور مستمر در این کشورها فعالیت دارند. مراکز دانشگاهی و پژوهشی و آموزشی خاصی وجود دارد که منویات دو جریان را دنبال می‌کند. اما هر دو جریان در تعامل مستمر در پی ارتقاء کیفیت زندگی ملی خود هستند. جریان اول می‌داند که تولید دانش بومی در پرتو رخدادهای درونی و بیرونی میسر است، ایستایی در دانش به علت انزواطلبی در مطالعه نمی‌تواند کشور را به عنوان عضوی از بازیگر جهانی که در تنگ بلورین آبی شفاف همه دید قرار دارد، به پیش برد. این نحله تلاش دارد دانش لازم برای اداره جامعه را از

فنون تخصصی خاص حوزه‌های مختلف نه از طریق صرف رصد مقاله‌ها، کتب علمی، گزارش‌ها و ... بلکه از طریق جستجوی عینی برنامه‌ها، اقدامات و طرح‌ها و پروژه اجرایی در سایر کشورها محقق شود. حوزه هوا و فضا صرفاً با بررسی آمار و ارقام دیگر کشورها، حوزه صنعت خودروسازی فقط با مشاهده کاتالوگ خوروسازان دیگر کشورها، حوزه صنعت پوشاک ملی با صرف مشاهده برنامه‌های ماهواره‌ای نمی‌توانند به آنچه در عمل در آن کشورها رخ می‌دهد دست پیدا کنند. باید فعل رخ داده را دید زیرا همه حوزه‌ها باید پایداری در پایش‌های عینی برنامه‌های تخصصی خود در کشورهای هم‌تراز یا اندکی بالاتر را مدنظر قرار دهند. کشورها باید برای ارتقاء مستمر شاخص‌های پیشرفت ملی خود مدام جستجوگری عینی اقدامات دیگر کشورها را پیگیری کنند. همه کشورها از طریق تشکیل گروه‌های کاری طرفینی، کمیسیون‌ها و تیم‌های تخصصی از کشورهای یکدیگر بازدید می‌کنند.

۲-۲ خردمایه شکل‌گیری رصدخانه ملی

بی‌تردید هر کشوری بر اساس نوع حکومت خود ایدئولوژی خاصی را دنبال می‌کند. برخی از کشورها با حکومت جمهوری (ریاستی یا پارلمانی) بر مرکب ایدئولوژی سرمایه‌داری ریشه‌دار در مسیحیت کاتولیک سوارند و برخی دیگر با نوع حکومت پادشاهی بر طبل ایدئولوژیک دیگری می‌کوبند. اکنون بیش از ۲۰۰ کشور در جهان وجود دارند که ۱۹۲ کشور عضو سازمان متحد هستند. همه این کشورها با هر دین و مذهبی مخلوقات خداوندند، چه بخواهند و چه نخواهند. مردمان این کشورها برای رسیدن به زندگی دنیای و بعضاً اخروی خود اهدافی طراحی کرده‌اند که از طریق سیاست‌ها، راهبردها، طرح‌ها، برنامه‌ها، قوانین و رویه‌هایی تلاش می‌کنند به آن اهداف دست پیدا کنند. بخش عظیمی از محتویات سخت و نرم‌افزاری ملی این کشورها جلوه‌های ایدئولوژی، فرهنگ و ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنهاست. اما بخش دیگر حاصل درس‌آموزی‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی آنها از سایر کشورهاست.

بر اساس تولید علمی (برای مثال مقاله‌های ISI) تعیین می‌کنند، و چنین جایگاهی هر چه بالاتر باشد به نفع کشور در سایر عرصه‌هاست، می‌توان به دانشگاه‌ها گفت ما ISI را قبول نداریم، شما بجای آن کارگاههای آموزشی برگزار کنید؟

رسیدن به جایگاه اول منطقه در حوزه علمی بر اساس شاخص‌های مقبول جهانی است زیرا در غیر این صورت مقایسه ممکن نیست. پس اگر وارد بازی جهانی می‌شویم بایستی قاعده را پذیرفت (اگر چه می‌دانیم چنین قاعده‌ای، قاعده سالمی نیست). اگر شاخص‌ها را نظام جهانی تدوین و اهداف را نظام جهانی دیکته می‌کند سایر کشورها مجبورند جورچین نظری را طوری جور کنند که آن اهداف در بالاترین حد محقق شود. می‌توان شاخص‌ها و اهداف را تغییر داد، در صورتی که بتوان دستگاه مفهوم‌پردازی عالم را تسخیر کرد. تسخیر آن چندان ساده نیست ولی شدنی است. با توجه به ماهیت منحصر به فرد دانش دینی به عنوان سنگ زیر بنای شکل‌گیری حکومت اسلامی، نوآوری در هدف شاخص‌های سیاست، مدیریت، راهبرد طرح و برنامه میسر است، اما بزرگان‌اندیشمندان و زیرکارگزارانی را می‌طلبد که از این خرمن حقیقی دانش توشه‌ای تهیه و به قاموس عمل درآورند، آن عمل اگر در عمل چشم دیگران را خیره کند، آنان مقلدان جمهوری اسلامی خواهند بود [۹].

انقلاب عظیم امام خمینی قالب تقلیدی بسیاری از کشورهای عالم شده که جلوه آن در میادینی نظیر التحریر مصر و لولو بحرین و آزادی یمن گرفته تا میداین بزرگی در شهرهای اسپانیا و نیویورک به منصفه ظهور رسیده است. ممکن نیست کتابی در حوزه رهبری به طور اعم و رهبری سیاسی به طور اخص به رشته تحریر درآید ولی نامی از «امام خمینی (ره)» در آن ذکر نشود؟ هیچ نویسنده‌ای در عالم مجبور به ذکر نام امام خمینی (ره) نیست، بلکه عمل مدیریتی و رهبری موفق ایشان باعث شده نویسندگان حوزه رهبری نام این عامل به رهبری موفق در عمل را به طور خودکار ذکر کند. پس می‌توان سیاستی، برنامه‌ای یا عملی را بر اساس نگاه اسلامی در کشور اجرا کرد که کشورهای دیگر آن را تقلید کنند. کلاس‌ها، کارگاه‌های آموزشی مالیه و مدیریت مالی اسلامی در کشورهای خارجی مملو از کارشناسان سایر کشورهاست.

پالایش‌کننده‌های ملی عبور دهد. شعار اصلی این نحله آن است که "غریب پرستی و عشق ورزی بی‌فکرانه همان اندازه خطرناک است که با دانش غیر ملی خود دشمنی کنی" [۷] جریان دوم تلاش دارد از آخرین نوآوری‌های کشورهای حوزه‌های سیاسی، مدیریتی، برنامه‌ای و رویه‌ای با خبر شود تا هر آنچه در کشورشان بکار می‌آید بر چینند و هرچه دوا نیست دور ریزند. هم‌افزایی این دو جریان این کشورها را به جلو می‌برد. اما سؤال این است که آیا جمهوری اسلامی ایران باید چنین کند یا خیر؟ راهی منحصر بفرد در پیش گیرد؟

نظام سیاسی اسلامی که امام خمینی (ره) آن را بنا نهاد متولی تحقق اهداف کشوری بنام ایران است که چنین اهدافی بر اساس فلسفه و عقلانیت اصلی [۸] عقبه آن نظام آن تدوین شده است. بی‌تردید جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران فعال در بیشتر سازمان‌های بین‌المللی و جهانی نظیر سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول و ... است و عنصر اثرگذاری در معادلات منطقه‌ای و بعضاً جهانی است، و در سالهای اخیر تلاش‌های فراوانی کرده تا به سازمان جهانی تجارت پیوندد. این سازمان‌های بین‌المللی در حوزه‌های فرهنگی، فناوری، حکمرانی ملی، توسعه منابع انسانی، محیط زیست و بسته‌های از شاخص‌های ارزیابی را تدوین و وضعیت کشورها را براساس آنها رصد می‌کنند. تردیدی نیست که شاخص‌های بین‌المللی تجلی خواسته‌ها و افکار نظام‌های سلطه‌گر جهانی و بین‌المللی است و همه سازمان‌های بین‌المللی سازوکارهای مدیریتی حکمرانی جهانی کشورهای قدرتمند عالم هستند. اما از آنجا که همه دول عالم دچار شعور کاذب جهانی هستند قضاوت خود در مورد ایران و سایر کشورها را بر محوریت این شاخص‌ها قرار می‌دهند. برای مثال سرمایه‌گذاران خارجی بر اساس میزان ریسک سیاسی کشورها که توسط سازمان‌های بین‌المللی در سراسر عالم منتشر می‌شود، دست به سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی می‌زنند (اگر چه استثنائاتی نیز وجود دارد). شاخص توسعه انسانی، مبارزه با ایدز، سلامت محیطی، شفافیت و ... سالانه منتشر می‌شود. تعاریف و مفاهیم جهانی سازه‌های عمومی سلطه‌گران عالم هستند ولی متأسفانه کشور ما نیز در عرصه بین‌المللی با همین شاخص‌ها ارزیابی می‌شود، اگر چه به نظر ما مطلوب نمی‌آید. اگر جایگاه علمی ایران در منطقه را

جریان دومی که تلاش می‌کند در کنار جریان نخست به درس‌آموزی در عرصه جهانی بپردازد نیز برای کشور ضروری است. اگر چه این جریان نیز مانند جریان نخست از اوائل انقلاب وجود داشت و قبل از انقلاب نیز به شکل افراطی غرب‌زدگی در همه اشکالش دنبال می‌کرد و کشف حجاب ثمره این درس‌آموزی غلط بوده ولی دستگاه سیاستی و مدیریتی مسئول که بتواند خوب‌های سیاستی، مدیریتی، برنامه‌ای و حتی فرهنگی دیگر کشورها را رصد کند و روندهای فعلی و آتی جهانی را پیش‌بینی کند وجود ندارد. این دستگاه استراتژیک رصد جهانی سیاست‌ها، راهبردها، طرح‌ها و برنامه‌های کشوری راهبردی جهان در کشور وجود ندارد. این جریان باید با هوشمندی نظری (انطباق درس‌ها با نظام ارزشی و باوری کشور) و زیرکی عملیاتی (انطباق درس‌ها با شرایط عملی کشور) در حوزه‌های مختلف فعل کشورها را مستمراً رصد کند تا مدام «هوشمندی استراتژیک ملی» را در فعل خود با اتکا به نظام دینی استوار سازد. این جریان که بایستی رسمیت پیدا کرده و برای این که در معرض بادهای سیاسی قرار نگیرد متولی عالی آن باید تحت نظارت رهبری نظام سیاست‌گذاری کلان درس‌آموزی ملی را انجام دهد. چارچوب مفهومی و مراحل اجرایی آن در بخش‌های بعدی مقاله تشریح خواهد شد.

۳- نحوه تاسیس رصدخانه ملی سیاستی و مدیریتی

سیاست‌زدگی مراکز تخصصی، چنین مرکزی را از اهداف تخصصی خود باز می‌دارد. کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های تحت نظارت دولت، صبغه سیاسی دارند اگر چه محتوای تخصصی با خود یدک می‌کشند. به خصوص اگر رویکرد سیاسی به مدیریت در بخش دولتی در پیش گرفته شود، ماهیت تخصصی کار ویژه‌های تخصصی دچار نقصان شده و اهداف موردنظر محقق نخواهد شد. بنابراین به نظر می‌رسد این رصدخانه ملی اگر تحت نظارت رئیس جمهور قرار گیرد دچار تزلزل تخصصی شود و بی‌ثباتی تخصصی گریبانگیر آن شود از این رو می‌بایست تحت نظر سطح نخست حکمرانی ملی یعنی رهبری نظام قرار گیرد. پایداری این سطح و دوری از سیاست‌زدگی می‌تواند فضای تخصصی رصدخانه را پایدار

بنابراین جریان نخستی که در دیگر کشورها وجود داشت در کشور ما نیز بایستی وجود داشته باشد.

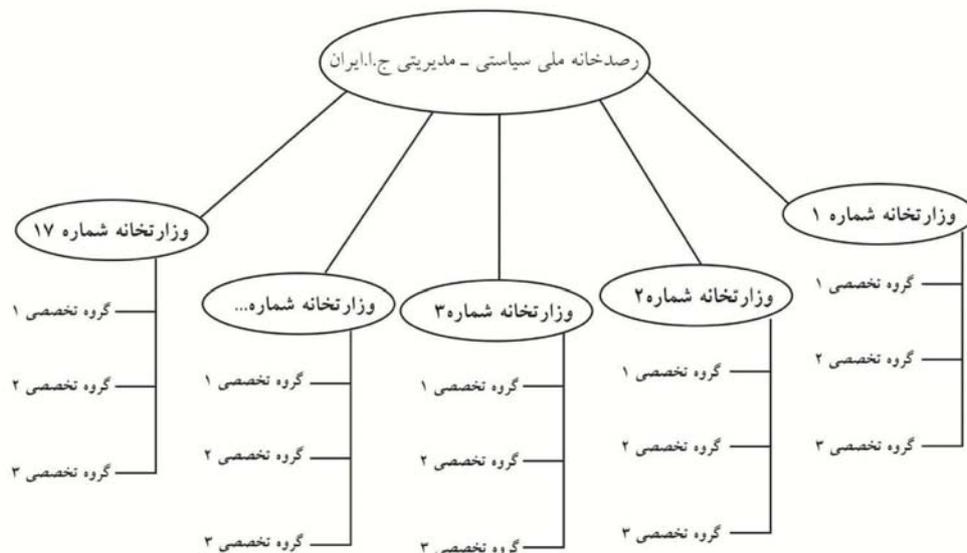
از ابتدای استقرار نظام اسلامی در کشور تاکنون، این جریان نظریه پردازی و عامل به نظریه‌های اسلامی - بومی وجود داشته و دارد زیرا نظریه تابع زمان و فرهنگ [۱۰] و همین طور مذهب است [۱۱]. این جریان بایستی با توجه به ماهیت خاص نظام اسلامی پررنگ‌تر به راه خود ادامه دهد ولی تلاش آن بر طراحی نظریه‌هایی باشد که در عمل نگاه دیگران را به خود جلب کند. برای مثال «طراحی شهرداری اسلامی» در ایران که چنان دخل و خرج شهری را مدیریت می‌کند که به کسی ظلم نمی‌شود و باعث شکل‌گیری شهروندان فاضل می‌شود می‌تواند ادبیات جهانی مدیریت شهری را دگرگون سازد ولی وجود شهرداری‌های که انگ فساد به آنها در همه‌های ملی پررنگ است و مظاهر فساد آن در دوره‌های مختلف به قضاوت شهروندان گذاشته می‌شود، تفاوتی با سایر شهرداری‌ها در سایر کشورهای غرق در فساد نخواهد کرد.

بنابراین پیوند دینی جریان نظریه پردازان بومی با مدیریت بومی باید چنان در عمل نگاه جامعه جهانی را به خود خیره کند که به طور خودکار شاخص‌ها و اهداف تدوینی آنها برای ارزیابی کشورها دچار تغییر شود. بر این اساس ره‌آوردهای نظری و عملی این جریان ملی با انعکاس در فضای جهانی می‌تواند بسته‌های نظری علمی، ارزیابی عملکرد جامعه جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. برخی از شاخص‌های جهانی حاصل موفقیت کشورهایی بوده که جلب توجه جامعه جهانی آنها را وارد سنج‌های ارزیابی جهانی کرده است. حوزه و دانشگاه در پیوند با دستگاه مدیریتی می‌توانند این مسیر دشوار ولی در عین حال پر ثمر را با اتکا به «فقه پویای شیعه» و قدرت «نظریه‌پردازی نظام علم، فن‌آوری و تحقیقات دانشگاهی» ادامه دهند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که نظریه‌پردازی در انواع و اقسام خود متمرکز بر تبیین و توصیف پدیده‌ای است که «خود» پدیده خود محصولی فضای فعلی حاکم بر کشور و جهان کنونی است [۱۲]. نظام مفهوم‌پردازی ملی باید پدیده‌ای که مدام در حال تغییر است تبیین کند، کاری که دریای عظیم فقاهت در پاسخ به سئوال‌هایی انجام می‌دهد که در گذر زمان فراروی دستگاه اجتهادی اسلامی قرار می‌گیرد.

اقتباس کرد"، می‌تواند با تبیین بسته مدیریتی خود را شکل عمومی به خود گیرد. شکل ۱ سیمای نموداری رصدخانه را نشان می‌دهد. برای عملیاتی کردن این چهارچوب مفهومی از رصدخانه مذکور باید بسته مدیریتی آن به شرح زیر تدوین شود:

۱. تعیین رسالت و چشم‌انداز رصدخانه
۲. تعیین اهداف و راهبردهای رصدخانه
۳. تعیین کارویژه‌ها و ساختار سازمانی رصدخانه
۴. چیدمان تخصصی حوزه‌ای در کارویژه‌ها
۵. تنظیم بسته استخدامی نیروی انسانی رصدخانه
۶. تعیین سازوکارهای هماهنگی حوزه‌های تخصصی با حوزه‌های تخصصی کابینه‌ای کشور
۷. طراحی روابط ارتباطی بین رصدخانه و سفارتخانه‌ها در کشورهای دیگر
۸. طراحی نظام ارزیابی عملکرد سازمانی رصدخانه
۹. تعیین حلقه‌های ارتباطی رصدخانه با نظام سیاست‌گذاری ملی
۱۰. تعیین سازوکارهای ارتباطی مرکز با بخش خصوصی

سازد و چنین مرکزی با تعهد و اتقان بیشتری به انجام کارویژه‌های تخصصی خود همت گمارد. علاوه بر این نحوه برقراری پیوند این مرکز ملی با کشورهای خارجی نیز می‌بایست عملیاتی شود. کشور جمهوری اسلامی ایران در پیش از ۱۵۰ کشور جهان سفارتخانه یا نمایندگی دارد. سفارتخانه‌ها می‌توانند حلقه‌های ارتباطی بسیار خوبی برای کمک به رصد موضوعی این کشورها به وسیله گروه‌های تخصصی ایرانی باشد. می‌توان در سفارتخانه‌ها، متناظر گروه تخصصی درون مرکز رصدخانه ملی در ایران را طراحی کرد و حتی از بومیان تخصصی آن کشورها بهره جست و روند رصد را تسریع بخشید. در این صورت همه سفارتخانه‌ها در حوزه‌های استراتژیک مورد نیاز کشور فعال خواهند شد. البته باید توجه داشت که حوزه فعالیت سفارتخانه‌ها در چارچوب قانون آن کشور معنا خواهد داشت. گروه‌های تخصصی می‌توانند رصد جهانی خود را بر حسب اولویت‌های ملی حوزه‌ای انجام دهند. این رصدخانه بزرگ ملی با در پیش گرفتن رسالت: "رصد تخصصی سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های تخصصی دیگر کشورها برای یافتن موردهایی که می‌توان با توجه به وضعیت کشور آنها را



شکل (۱) شمای نموداری رصدخانه ملی سیاستی - مدیریتی جمهوری اسلامی ایران

۴- چالش‌های فرارو

۴-۱ چالش‌های تاسیس

اقناع ملی اهمیت تاسیس رصدخانه: چرایی شکل‌دهی این مرکز رصد جهانی برای سیاست‌گذاری ملی، نیازمند اقناع اذهان ملی است. بدون فهم مشترک متولیان سیاسی کشور تاسیس چنین مرکز هزینه‌بری برای کشور میسر نخواهد بود. تدقیق بیشتر اهمیت و چرایی شکل‌گیری این مرکز برای ارتقاء عملکرد ملی کشور از طریق انتشار مقاله‌ها، کتب و برگزاری کارگاه‌های آموزشی و برپایی میزگردهای مطبوعاتی و رسانه‌ای می‌تواند به تقویت فهم همگانی و همین‌طور حاکمیتی کشور کمک کند. تشویق متخصصان به ارائه ایده در مورد چنین موضوعی از طریق تخصیص پروژه‌های پژوهشی نیز می‌تواند به تبیین موضوع در نگاه سیاست‌گذاران کمک کند.

۱. پذیرش ملی مبانی نظری رصد جهانی: تقلید کورکورانه نظام سیاسی کشور قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و مصادره داشته‌های ملی - دینی کشور به نفع یکسویه آنچه از آن سوی دریا می‌آمد چنین در اذهان القا کرده است که رصد آنچه در بیرون از کشور رخ می‌دهد، میل به تقلیدپذیری ملی را افزایش می‌دهد. جا انداختن عقلایی مبانی نظری تاسیس چنین مرکزی نیازمند اقناع نظری جامعه حاکمیتی کشور، دستگاه سیاست‌گذاری، مدیریت دولتی کشور است. علت نظری تاسیس چنین مرکزی را باید در «جستجوی علم در هر کجای عالم» و دوری از هزینه‌های خطا و آزمایش در طراحی سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و طرح‌هایی که دیگران در عمل خلق و اجرا کرده‌اند، جستجو کرد. هدف نظری تقلید ایدئولوژی دیگران و تزریق فرهنگ مخرب کشورهای دیگر در کشور مبدا نیست بلکه دست زدن به راهی میان بر برای تحقق اهداف ملی با کاهش هزینه‌های عمومی است.

۲. متولی مدیریتی مرکز رصدخانه ملی: با فرض اقناع نظری و عملی تاسیس چنین رصدخانه‌ای چه سطحی باید متولی این رصدخانه باشد؟ اگر به عهده دولت (قوه مجریه) گذاشته شود، ممکن است جریان‌ات سیاسی حاکم

«پایداری تخصصی» گروه‌های تخصصی درونی رصدخانه را تحت تاثیر قرار دهند و تصور کنند که مسئولان ستادهای انتخاباتی باید گروه‌های تخصصی را در دست بگیرند و ماهیت تخصصی این مرکز پیوسته در معرض نزدیک بینی‌های سیاسی قرار گیرد. اگر در سطح رهبری قرار گیرد ممکن است دولت‌ها ادعا کنند نمی‌توانند نیازهای سیاستی خود را با گروه‌های تخصصی درون چنین مرکزی گره زنند. اگر از دست این دو سطح خارج شود و در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی قرار گیرد آن هم منویات نمایندگان را باید برتاباند. چگونه این مرکز با بخش خصوصی باید ارتباط داشته باشد؟ بودجه سالانه آن چگونه باید تامین شود؟

۴-۲ چالش‌های اجرایی

۱. تقدم‌پذیری تصویری بیرون به درون: با توجه به منحصربه‌فرد بودن نظام سیاسی کشور و پرننگ بودن غیرت ملی نسبت به دانش و فن بومی - اسلامی، ممکن است این تصور در اذهان شکل گیرد که کشور و نظام سیاست‌گذاری و مدیریتی ملی دل به واردات دانش و فن بیگانه بسته و تلاش دارد دانش و فن غیر بومی را در فضای سیاستی، مدیریتی و فرهنگی کشور تزریق کند. اگر این تصور در ذهن متولیان سیاستی کشور باشد تعهد به شکل‌دهی و عملیاتی کردن این مرکز مهم و راهبردی ملی چندان پرننگ نخواهد بود و کارشکنی‌ها در راه‌اندازی آن ممکن است تحقق اثر بخشی هزینه‌های ملی را به تاخیر بیندازد. فضا سازی منفی و برچسب تقلیدپذیری و بی‌توجهی به محصولات سیاستی، مدیریتی و برنامه‌ای بومی ممکن است چنین به ذهن جامعه القا کند که این مرکز قصد واردات بی‌رویه فکر و اندیشه، دانش و فن بیگانه به کشور را دارد.

۲. پایداری ورودی و خروجی متخصصان موضوعی در رصدخانه: هدف غایی این مرکز ارتقاء کارایی و اثربخشی ملی در حوزه سیاستی، مدیریتی و برنامه‌ای تخصصی است. گروه‌های تخصصی درس‌آموزی باید حوزه‌های

گروه‌های تخصصی خود را در کشورهای هدف رصد کنند و «خوب‌های» خارجی با شرایط داخلی حوزه‌های خود انطباق دهند، بنابراین پایداری در نیروی انسانی ورودی به مرکز برای سرمایه‌گذاری در استراتژی‌های رصد بین‌المللی امری بسیار حیاتی است. دست‌اندازی‌های سیاستمداران به این مرکز برای رسیدن به اهداف سیاسی از طریق تغییر و تحول جزئی درون چنین مرکز تخصصی تهدید بزرگی علیه رسالت کلیدی چنین مرکزی است که قرار است "هوشمندی استراتژیک ملی تخصصی" را ارتقاء دهد. خروجی به موقع افراد برای ورود افراد متخصص دارای پتانسیل نیر در مدیریت بهینه عملکرد چنین مرکزی حائز اهمیت است و اگر چنین مرکزی محل بازی‌های سیاسی احزاب سیاسی شود تزلزل در پایداری ورودی و خروجی نیروی انسانی تخصصی سازمان، مانع اهداف غایی مورد نظر خواهد شد.

۵. **مدیریت هزینه‌های فعالیت‌های رصدخانه:** مرکزی که بخواهد کشورهای راهبردی هدف را پایش کند نیازمند بودجه‌های کلانی است. ممکن است منفذ سوء استفاده از این بودجه‌ها بدون رهاوردهای ملی، فراروی برخی از فرصت‌طلبان باز شود، از این رو مدیریت هزینه‌ها این مرکز بایستی در عین انعطاف‌پذیری، دقت نظر در هزینه را مدنظر قرار دهد. به طور خاص اگر این مرکز نیز مانند سایر سازمان‌های دولتی رویکرد سیاسی به مدیریت در آن در پیش گرفته شود، ممکن است هزینه‌های هنگفتی صرف فعالیت‌های بی‌ثمری شود، ولی باید توجه داشت که ترس از چنین خطری نباید بهانه عدم تاسیس چنین مرکز مهمی برای کشور شود.

۵- نتیجه‌گیری

سیاست‌های عمومی، تجلی اقدامات دولت برای حل یک مسئله عمومی است. البته سیاست‌های عمومی صرفاً بر رفع پدیده‌هایی به نام «فقدان» یا «نبود» یا «ضعف» متمرکز نیست بلکه پدیده‌هایی نظیر «بهبود»، «فرصت‌سازی»، «شکار فرصت»، «تقویت» یا «ارتقاء» نیز نشانه می‌رود. گاهی اوقات شهروندان از خدماتی رضایت دارند ولی دولت سیاست خود را بر ارتقاء خدمات (از دستی به الکترونیکی) متمرکز می‌سازد. گاهی نیز سیاست دولت بر ایجاد پدیده‌ای که جامعه فاقد آن است توجه معطوف می‌دارد یا پدیده‌ای که ضعف آن در جامعه کم و بیش آشکار است. در مواردی دولت سیاست خارجی خود را بر ارتقاء روابط با کشور یا کشورهای خاصی متمرکز می‌سازد تا فرصت‌های را برای بخش‌های خصوصی، تعاونی و دولتی خود ایجاد کند. بنابراین سازوکار اداره جامعه و رکن رکن حکمرانی ملی، سیاست‌های عمومی هستند.

۳. **چگونگی ارتباط با سفارتخانه‌های کشور:** سفارتخانه‌های کشور در دیگر کشورها دارای قابلیت بسیار مهمی برای درس‌آموزی ملی هستند. این مرکز رصدخانه‌ای می‌تواند از قبل چنین سفارتخانه‌هایی در سراسر جهان به اهداف تخصصی خود دست پیدا کند. ولی نحوه ارتباط با سفارتخانه‌ها با مرکز چالش مهمی است که باید با درایت ملی مدیریت شود. آیا می‌توان متناظر گروه‌های تخصصی در مرکز را در سفارتخانه‌های خارج از کشور طراحی کرد؟ تمرکز نیروی انسانی را می‌توان بر بومی‌های همان کشور استوار کرد؟ سفارتخانه‌ها سیاسی هستند آیا بیم آن نمی‌رود و روند کارها با جابجایی سفرا و سرکنسول‌ها دچار تغییرات شدیدی شود و رابطه با مرکز در کشور را تحت شعاع قرار دهد؟ همه این سوال‌ها را باید با دقت نظر پاسخ داد تا اهداف مورد نظر محقق شوند.

۴. **مدیریت درونی رصدخانه:** رصدخانه عظیم ملی که قرار است جهان پیرامون را در حوزه‌های تخصصی مختلف مدام و هوشمندانه رصد کند نیاز به مدیریت حرفه‌ای زیرکانه‌ای دارد. طراحی نظام مدیریتی مدیریت چنین مجموعه عظیمی نیازمند دقت نظر خاصی است. پیوند

سیاست‌های عمومی در مرحله عمل به طرح‌ها و در نهایت برنامه‌ها و اقدامات عملی تبدیل می‌شوند. سیاست ارتقاء گردشگری ملی به برنامه‌های ساخت هتل‌ها، مراکز تفریحی، کاهش مقررات و ... تبدیل می‌شود. سیاست ارتقاء آموزش عالی کشور در قالب برنامه‌های پذیرش دانشجویان شبانه، نیمه حضوری، پیام نور، مکاتبه‌ای، مجازی و ... عملیاتی می‌شود. سیاست عدالت آموزشی در قالب برنامه‌ای به نام متمرکز کردن پذیرش دوره دکتری محقق می‌شود. سیاستی که در قاموس عقلانیت برنامه‌ای و با توجه به سیاست استقلال دانشگاه‌های کشور نامعقول می‌آید ولی عشق به نوآوری در سیاست همیشه منجر به ره‌آوردی مطلوبی نمی‌شود، برخی از نوآوری‌ها صرفاً برای ثبت در تاریخ مدیریتی یک دوره سیاست‌گذاری انجام می‌شود و خطا و آزمون‌های است که هزینه‌های سنگینی بر کشورها تحمیل خواهد کرد. به هر حال مأخذ این نوآوری‌ها می‌تواند در فلسفه سیاسی، فرهنگ و دکترین سیاسی حزب حاکم یا ایدئولوژی آن کشور باشد. به عبارت دیگر نوآوری‌های سیاستی یا برنامه‌ای برخاسته از دستگاه سیاست‌ساز و برنامه‌ساز بومی - ملی است. گاهی اوقات کشورها شاهد سیاست‌ها و برنامه‌هایی در دیگر کشورها هستند که به صورت موفق عمل می‌کنند. برخی از کشورها با روآوری به قطار شهری، منوریل، دوچرخه و ... مشکل ترافیک شهری کلان شهرهای خود را حل کرده‌اند کشورهایی که دچار مسئله مشترک ترافیک شهری در شهرهای بزرگ خود هستند می‌توانند به جای تمرکز بر طراحی برنامه‌های نو، این ابتکار عمل کشورهای دیگر را اقتباس کنند. اقتباس صحیح نه تنها پاسخ سریع دولت حاکم به یک مسئله عمومی در پی خواهد داشت بلکه کشور را از هزینه‌های سنگین بدیل‌سازی خطا و آزمایشی کاهش ترافیک شهری بر حذر می‌دارد. دولت در کشوری مانند سوئیس بر سیاست کاهش فاصله طبقاتی تاکید دارد و در این راه برنامه‌های متعددی اجرا می‌کند. دولت‌ها می‌توانند از این برنامه‌ها برای ارتقاء وضعیت بی‌خانمان استفاده کنند. یا ممکن است کشوری با شرایط مشابه به کشور دیگر سیاست متمرکزسازی پذیرش دوره دکتری را در پیش نگیرد.

کشورهای دیگر ممکن است در این زمینه از این ضعف کشورها دست به نوآوری متمرکزسازی پذیرش دوره دکتری بزنند و به بی‌عدالتی آموزشی در کشور پایان دهند. همه این موارد اشاره به پدیده‌ای به نام درس‌آموزی دارد. همه کشورها از یکدیگر می‌آموزند. درس‌آموزی ممکن است در سیاست‌ها، طرح، برنامه‌ها یا قوانین و رویه‌ها انجام شود یا در یک بسته مدیریتی در یک حوزه تخصصی. اگر چه اقتباس غلط و درس‌آموزی غلط می‌تواند بعضاً به فاجعه ملی تبدیل شود. برای مثال کشوری با برنامه‌ای تحت عنوان «مونوریل» از سایر کشورها آشنا شده و از نزدیک نحوه استقرار و عمل آن را می‌داند و به جای آن که در شهرهای بزرگ مورد استفاده قرار دهد، در شهری استفاده می‌کند که در خیابان‌های آن شهر دوچرخه‌ای حرکت نمی‌کند، ولی عابران پیاده نگاهشان به قطارهای هوایی است که بر ستون‌های عظیمی بنا شده است. یا اگر کشوری با توجه به وضعیت خود اقدام دولت سوئیس را در مورد بی‌خانمان‌های خود به کار گیرد ممکن است نه تنها مسئله را حل نکند بلکه عده‌ای زیادتری را بی‌خانمان خواهد کرد. اگر مردم این شهرها بدانند متولیان دستگاهی از دولت ساعات یازده شب به بعد در خیابان‌ها و کوچه‌ها پرسه می‌زنند تا غذای گرم به افراد بی‌خانمان بدهند، آن وقت بسیاری از مردم مرفه بالانشین با ماشین‌های آخرین سیستم در کوچه‌ها منتظر غذای گرم خواهند بود. شاید صف شیرهای یارانه‌ای در مناطق مرفه تهران و فهرست خانوارهایی با درآمد میلیاردی در صف دریافت یارانه‌ها اندکی به ذهن خواننده متبادر شود. در این مورد دولت‌ها به غلط اقتباس می‌کنند ولی در مورد بعدی دولت‌ها وقتی می‌بینند کشورهای دیگر در حوزه‌ای مانند عدالت آموزشی در حوزه دکتری آنچه در نظر آنهاست انجام نمی‌دهند نوآوری در چنین مسئله عمومی را خود رقم می‌زنند. بر این اساس شاید در یک کشوری مضحک به نظر آید که وزارت علوم دانشجویان دکتری را خود انتخاب کند و به دانشگاه‌های هاروارد، ام‌ای‌تی، کمبریج دستور دهد شما باید بر اساس فهرست پیشنهادی ما دکتری بپذیرید. چرا که در این کشورها حرمت تخصصی دانشگاه‌ها قربانی سیاست‌های جناحی نمی‌شود و عظمت ملی

References

منابع

- [۱] دانایی فرد، حسن و الوانی، سید مهدی، ۱۳۸۸، *مقدمه‌ای بر فلسفه نظریه‌های مدیریت دولتی*، نشر صفار، تهران.
- [۲] هدی، فرل، ۱۳۸۷، *مدیریت تطبیقی*، ترجمه: سید مهدی الوانی و غلامرضا معمار زاده، انتشارات مروارید، تهران.
- [۳] دانایی فرد، حسن، ۱۳۹۰، *چالش‌های مدیریت دولتی ایران*، سمت، تهران.
- [۴] رز، ریچارد، (در دست بررسی)، *یادگیری در پرتو سیاست‌های عمومی تطبیقی: رهنمودی کاربردی*، ترجمه: حسن دانایی فرد و منصور خیرگو، انتشارات امام صادق (ع)، تهران.
- [5] Danaee Fard, H., 2009, "An administrative manifesto survival in the twenty-first century", *Public Administration Review*, 69(6), pp. 1025-1027.
- [6] Sabatier, P.A., 1999, *Theories of the Policy Process*, New York: Westview Press.
- [۷] دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۸، "تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: رهنمودهایی برای ارتقای ظرفیت سیاست ملی علم ایران"، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۲(۱)، صص. ۱۶-۱.
- [۸] دانایی فرد، حسن، ثقفی، عمادالدین و مشبکی، اصغر، ۱۳۸۹، "اجرای خط مشی عمومی: بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خط مشی"، *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، ۱۴(۴)، صص. ۷۹-۱۵.
- [۹] دانایی فرد، حسن، بابایی مجرد، ۱۳۸۹، "روش‌شناسی نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی: تاملی بر رویکرد اندیشمندان مسلمان"، *معرفت فلسفی*، ۸(۱)، صص. ۱۶۴-۱۳۳.
- [۱۰] دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۹، "ارتقاء دانش نافع در مطالعات سازمان و مدیریت: تحلیلی فراتئوریک بر نظریه‌های سازمان و مدیریت"، *فصلنامه روش‌شناسی حوزه و دانشگاه*، ۱۴(۵۵)، صص. ۸۴-۵۹.
- [11] Farazmand, F.A., Tu, Y-T and Danaee Fard, H., 2011, "Is religious culture a factor in negotiation: A cross-Cultural comparison of Iran, Taiwan and the United States?", *Journal of International Business Research*, 10(11), pp. 27-44.
- [۱۲] دانایی فرد، حسن، ۱۳۹۰، *نظریه‌پردازی: مبانی و روش‌شناسی‌ها*، سمت، تهران.
- کشور بالاتر از هوس‌های زودگذر مدیریتی است. بر این اساس هدف اصلی درس آموزی کشورها اقتباس برنامه‌هایی است که با شرایط آنها سازوکار است. کشورها با در پیش گرفتن سیاست درس آموزی تلاش می‌کنند در کنار پافشاری بر فرهنگ و فلسفه سیاسی و ایدئولوژیک خود هوشمندی استراتژیک ملی خود را ارتقاء دهند. نویسنده مدعی است علی‌رغم همه تلاش‌های بزرگ ملی در کشور، نباید نوعی بی‌خیالی ملی نسبت به برنامه‌ها و طرح‌های مختلف در کشورهای دیگر به ذهن متبادر شود. علی‌رغم این که دستگاه امنیتی و اطلاعاتی کشور هوشمندی استراتژیکی ملی را خصیصه پاسداشت کیان نظام اسلامی خود می‌داند ولی بخش‌های تخصصی در حوزه‌هایی نظیر صنعت (با همه بخش‌های آن) و خدمات، کشاورزی و دامپروری، فرهنگ و امور اجتماعی، مدیریت شهری و دولتی، تجارت و بازرگانی، محیط زیست و توسعه پایدار، آموزش و پرورش، معادن و منابع طبیعی کمتر به صورت برنامه‌ریزی شده برنامه‌ها و اقدامات راهبردی سایر کشورها را رصد می‌کند مگر بعضاً به صورت تصادفی یا شرکت در اجلاس‌های بین دولتی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی که فرصت بررسی دقیق را فراهم نمی‌کند. به نظر می‌رسد تاسیس رصدخانه ملی در حوزه‌های مختلف کشور ضروری است. این مرکز بزرگ و مهم ملی می‌تواند با اتکا به صافی‌های ارزشی و فرهنگی آنچه در کشورهای دیگر به نحوی به کار می‌آید با لحاظ کردن شرایط اقتباس کند و از هزینه‌های هنگفت ملی جلوگیری کند. در این مقاله مبانی نظری، مفهومی و چالش‌های آن مورد بحث قرار گرفت.